

فرانسیس گلادوین و کتاب مُنشی فارسی او

نگارش دستور زبان فارسی در میان شرق شناسان اروپایی، سنتی دیرینه است که سابقه اش به بیش از سیصد و پنجاه سال می رسد. بنا به گزارش افشار (۱۳۳۵) در مقاله «دستورهای سیصد ساله برای زبان فارسی» و مقاله دادفر (۱۳۷۱) [«دستورهای فارسی در زبانهای اروپایی»]، کهن ترین دستور فارسی منتشره در اروپا کتاب «عنصرهای زبان فارسی» (*Rudimenta Linguae Persicae*) اثر Ludouico de Dieu می باشد که در سال ۱۶۳۹ میلادی (۱۰۴۹ قمری، ده سال بعد از مرگ شاه عباس) در لیدن هلند منتشر شده است. این کتاب نخستین حرکت در زمینه مطالعاتی بود که توسط دانشمندان ایتالیایی و هلندی پیگیری شد و توسط شرق شناسان انگلیسی به اوج رسید، به طوری که کتاب «دستور زبان فارسی» سر ویلیام جونز (۱۷۷۱)، عملاً نخستین دستور مهم و قابل استناد فارسی به شمار می رود.

مقاله حاضر قصد ندارد به تاریخچه دستور و دستور نویسی اروپاییان در باب فارسی پردازد، چرا که کتابشناسیهای مفید و دقیقی در این باب وجود دارند که می توانند مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرند، مثل افشار (۱۳۳۳ و ۱۳۴۵)، گلبن (۱۳۵۶) و کتابشناسی ارزنده ویندفور (۳۰۳-۱۷۳: ۱۹۷۹). هدف این مقاله، معرفی کتابی است که هم کتاب و هم نویسنده اش در قیاس با سایر همعصران خود کاملاً ناشناخته مانده اند. این کتاب، «منشی فارسی» (۱۷۹۵) (*The Persian Moonshee*)، اثر شرق شناس انگلیسی، فرانسیس گلادوین (Francis Gladwin) است. این کتاب از بسیاری جهات در تاریخ

مطالعات فارسی امروزه کتاب مهمی ست، چرا که بدون شک نخستین کتاب آموزش زبان فارسی به خارجی‌ان محسوب می‌شود.^۱

در این مقاله، نخست مروری گذرا بر زندگی و آثار فرانسیس گلادوین خواهیم داشت. سپس به کتاب «منشی فارسی» می‌پردازیم و وجه تسمیه کتاب را به همراه بخشهای گوناگون آن مورد مطالعه قرار خواهیم داد. نظر به آن که این کتاب در بیش از دو‌ست سال پیش اثری کارآمد در حوزه آموزش زبان فارسی به انگلیسی‌زبانان بوده است، آشنایی بیشتر با ساختار کتاب و شیوه آموزش آن می‌تواند برای علاقه‌مندان زبان فارسی (به ویژه دستداران آموزش این زبان) مفید باشد. در بررسی کتاب نیز، آن را در دو قسمت بررسی خواهیم کرد: بخش آموزشی کتاب و بخش تمرینی آن. در واقع بخش تمرینی این کتاب که در سالهای اخیر مجدداً مورد مطالعه قرار گرفته، بخشی ست که «منشی فارسی» را از دیگر کتابهای این حوزه متمایز می‌سازد.

۱- فرانسیس گلادوین

گلادوین یکی از پرکارترین و در عین حال ناشناخته‌ترین شرق‌شناسان (به ویژه ایران‌شناسان) انگلیسی ست. ناشناخته ماندن گلادوین یکی از موارد عجیب در تاریخ شرق‌شناسی انگلیس است، چرا که علی‌رغم همکاری و هم‌عصری او با افرادی چون سر ویلیام جونز و فعالیتهای آموزشی و پژوهشی اش در کالج معتبر فورت ویلیام (Fort William College) بنگال، نه از او در کتابهای معتبر شرق‌شناسی نشانی هست و نه حتی تاریخ دقیق تولدش را می‌دانیم. ا.ج. آریری در اثر «جستارهای شرقی» (Oriental Essays) از بسیاری از نام‌آوران حوزه شرق‌شناسی نام می‌برد، ولی حتی اشاره‌ای هم به نخستین مترجم گلستان سعدی به زبان انگلیسی نمی‌کند. تنها مدارکی که تا حدی زندگی او را بر ما روشن می‌کند، یکی نوشته کوتاه واتکینز و شوبرل (۱۸۱۶) است که به صورت میکروفیش در کتابخانه دانشگاه کمبریج نگهداری می‌شود، و دیگری نامه‌های گلادوین به همسرش است که به شماره‌سند‌های ۷۰-۲۹۱۶۸ و ۲۹۱۷۹ در موزه بریتانیا محفوظند.^۲ جدیدترین زیست‌نگاری منتشر شده در مورد گلادوین مدخل «گلادوین» در «دانشنامه ایرانیکا» ست که توسط پ. لولویی (P. Loloï) نگاشته شده است.

براساس این منابع، گلادوین در سال ۱۸۱۳ میلادی وفات یافته است. این تاریخ در مقابل نام گلادوین در برگه‌دانه‌های کتابخانه کنگره آمریکا با یک علامت سؤال ثبت شده است، که بیانگر این است که حتی تاریخ وفات او هم در حاله‌ای از الهام قرار دارد. همچنین از جوانی و تحصیلات او در شرق‌شناسی اطلاعی در دست نیست، ولی آنچه مسلم

است آن است که او نیز - چون بسیاری دیگر از شرق شناسان همفکر خود - با سمتی نظامی به هندوستان اعزام شده و در آن جا شیفته مطالعات شرقی گردیده است. علاقه این عضو ارتش بنگال به ادبیات شرق باعث شد که به زودی از نزدیکان و هم صحبتان فردی ذی نفوذ و مقتدر به نام وارن هاستلینگز (Warren Hastings) شود، کنسی که قصد داشت درهای دانش شرقی را به روی محققان غربی بگشاید.

گلا دوین در سایه حمایت‌های هاستلینگز توانست در سالهای ۱۷۸۳ تا ۱۷۸۶ کتاب آیین اکبری نوشته ابوالفضل علامی بن مبارک (۹۵۸-۱۰۱۱ق / ۱۵۵۱-۱۶۰۲م) را ترجمه کند. این ترجمه با استقبال گرم مقامات وقت کلکته به ویژه فرمانده کل آن جا مواجه شد و در سه جلد به چاپ رسید.

در سال ۱۷۸۵ هاستلینگز مجمع آسیاشناسی بنگال (Asiatic Society of Bengal) را بنیاد نهاد و گلا دوین را به عضویت آن درآورد. بهره مندی گلا دوین از امکانات پژوهشی - انتشاراتی آن مجمع در کنار حمایت‌های مقامات وقت، نتایج ارزنده ای در پی داشت: گلا دوین در ۱۷۸۸ «تاریخ هندوستان» را در یک جلد در کلکته منتشر کرد و در همان سال ترجمه ای را تحت عنوان *Narrative of Transactions in Bengali* به چاپ رساند و از آن به بعد به طور مستمر به نشر کتب شرق شناسی و ایران پژوهی - به ویژه از طریق ترجمه متون ادب فارسی - پرداخت. آثار او تنوع موضوعی گسترده ای دارند، از آموزش زبان فارسی («منشی فارسی») گرفته، تا «فرهنگ لغت فارسی - هندی - انگلیسی» تا ترجمه و بررسی متون (گلستان، بوستان، بهارستان، طوطی نامه و...) که در جای خود به آنها خواهیم پرداخت.

دومین رخداد مبارک در زندگی علمی گلا دوین، پیوستن او به کالج فورت ویلیام بنگال بود. این دانشکده را فردی بنام لرد مارکیس ولزلی (Lord Marquis Wellesley) در اواخر قرن هجدهم تأسیس کرد. ولزلی که دانشکده خود را «آکسفورد شرق» می نامید، هدف خود را آموزش بهینه «آقایانی» می دانست که از طرف دولت بریتانیا به مأموریت هند می آمدند. زمان دقیق استخدام گلا دوین در این دانشکده روشن نیست. مارزولف (۱۹۹۵: ۴۴۷) معتقد است که گلا دوین، این «زبان شناس، سرباز، دیپلمات» حرفه ای در زمانی که منصبی نیمه وقت در فورت ویلیام داشت، دستور جامعی بر زبان فارسی به نام «منشی فارسی» [کتاب فورد بحث ما] نوشته است. پنج سال بعد ویراست سوم این کتاب با افزوده شدن عبارت «تنظیم شده برای استفاده در کالج فورت ویلیام بنگال» به چاپ رسید. سپس در سال ۱۸۰۱ در لندن مجدداً چاپ شد و در سال ۱۸۴۰ توسط ویلیام کارمایکل

اسمیث (William Carmichael smith) تلخیص و بازنگری شد... این مسأله با اطلاعات موجود در فرهنگ واتکینز و شوبرل یکسان نیست، چرا که آنان استخدام گلادوین در کالج فورت ویلیام را در سال ۱۸۰۱ ثبت کرده اند، حال آن که طبق گفته مارزولف، گلادوین به هنگام تألیف «منشی فارسی» در استخدام آن دانشکده بوده است، یعنی سال ۱۷۹۵.

به هر تقدیر، گلادوین در سال ۱۸۰۲ چا پخانه دانشکده فورت ویلیام را مجهز به فونت های لازم برای حروفچینی متون زبانهای شرقی کرد و در همان سال برای تحقیق و جمع آوری آداب و رسوم هند رهسپار منطقه ای به نام پتنه (Patna) شد و ظاهراً تا پایان عمر در همان جا به سر برد. اقامت او در پتنه دوران سوم فعالیت های خاورشناسی او محسوب می شود، که در طول آن توانست گلستان، بوستان، بهارستان، طوطی نامه (*Tales of a Parrot*)، «رساله در بلاغت ایرانیان» (*Dissertation on the Rhetoric of the Persians*) و «فرهنگ فارسی هندوستانی - انگلیسی» و چند اثر دیگر خود را تألیف کند.

با وجودی که طبق نوشته واتکینز و شوبرل، «گلادوین دانشمند عالیرتبه ای نبوده است»، اما باید این نکته را در نهایت انصاف در یاد داشت که کار او در بیش از دو قرن پیش بدون شک بر پیروانش چه در ترجمه متون و چه در آموزش زبان فارسی تأثیر بسیار داشته است. علاقه عمیق او به مطالعات شرقی در مقدمه ای که بر ترجمه اش از گلستان نوشته، هویداست. او ضمن اشاره به اشتیاق خود، اظهار کرده است که مایل است کالج فورت ویلیام را مجهز به بهترین آثار فارسی کلاسیک کند. هدف او این بود که این آثار را در ۸ جلد ۴ جزئی به گونه ای به چاپ برساند که کتابها شامل متن، کتابنامه، نقد و بررسی، یادداشتها و نمایه باشند، که البته این آرزو هیچ گاه به طور کامل به تحقق نپیوست. فرهنگ سه زبانه گلادوین در سال ۱۸۰۹ منتشر شد که آخرین اثر چاپ شده او به شمار می رود. ترجمه انگلیسی او از گلستان چندی پیش به اهتمام آقای کمال حاج سید جوادی در ایران منتشر شد که ایشان در مقدمه کار به «منشی فارسی» و تحقیق خود در باب آن اشاره کرده اند، متأسفانه چنین مقاله ای را علی رغم جستجوهای مکرر، نیافتم.

۱-۱- آثار گلادوین

عمده آثاری که از گلادوین می شناسیم شامل ۱۸ اثر می شود. از این کتابها ۱۲ اثر تألیف و ۶ اثر ترجمه اند. علی رغم آن که در برخی کاتالوگ ها او را به عنوان «مترجم متون شرقی» معرفی کرده اند، تألیفات او بیشتر از ترجمه ها، و عمده در حوزه تاریخ مشرق زمین

است.

۲- بررسی کتاب «منشی فارسی»

نکته ای که در نگاه نخست به این کتاب جلب توجه می کند نام آن است: *The Persian Moonshee*. چرا «منشی»؟ نگاهی به نام دیگر کتابهایی که در زمینه زبان فارسی نوشته شده اند، نشان می دهد که این نام تفاوتی اساسی با دیگر نامهای کتب دستور فارسی زمان خود دارد. در واژه نامه فرهنگ انگلیسی- هندی یسول و بارنل (۲-۵۸۱: ۱۹۹۹) آمده است:

منشی از فعل عربی «انشاء» به معنای «پروراندن و آموزش دادن» جوانان و همچنین به معنای «تنظیم» متنی مکتوب است، لذا به معنای منشی (سکرتر)، خواننده، مترجم و یا نویسنده هم می تواند به کار رود. این واژه را عمده اروپاییان برای نامیدن مدرسان بومی زبانهای چون فارسی، عربی، و اردو به کار می برند و در حالتی عمومی آن را به هر جتلمن تحصیل کرده و محترم بومی این زبانها اطلاق می کنند. احتمالاً رواج این واژه در متون اروپایی با کتابی به نام «منشی فارسی» که کتابی در آموزش زبان فارسی ست، آغاز شده است.

پس می توان نتیجه گرفت که هدف گلادوین از انتخاب چنین نامی برای کتابش آن بوده است که قصد داشته با تألیف این اثر، زبان فارسی را به گونه ای به انگلیسی ها بیاموزد که هر یک از آنها بتواند با اتمام کتاب، یک «منشی فارسی» باشد. اهمیت یادگیری مفید و مؤثر فارسی در آن زمان در هند برای انگلیسی ها بسیار آشکار بود: فارسی نه تنها زبان ایران، افغانستان و آسیای مرکزی بود، بلکه در شبه قاره هند هم از زبانهای بنیادی و کارآمد به شمار می رفت، جایی که هدف نهایی انگلیسی ها در تحقق برنامه های اقتصادی و کشور گشاییهاشان محسوب می شد، مارزولف (۴۴۷: ۱۹۹۵). * این واقعیت دلیلی محکم بر حمایت مقامات انگلستان از آموزش و گسترش زبان فارسی در میان مأمورین این کشور در مشرق زمین بود، و همین مسأله نیز زمینه ساز تألیف کتاب دستور زبان فارسی توسط سر ویلیام جونز (Sir William Jones) در سال ۱۷۷۱ گردید. در این کتاب جونز وعده داده بود که هر کس با کتاب او ظرف مدت یک سال قادر به درک و ترجمه متون فارسی خواهد بود، لذا کتاب خود را با نمونه های زیادی از متون فارسی کلاسیک انباشته بود (همان، ص ۴۴۶). اما مشکل اصلی کتاب او این بود که نمونه هایش چون از متون برجسته و پیچیده ادب فارسی انتخاب شده بودند، نمی توانستند برای یک زبان آموز مبتدی

* Utrich Marzolph، استاد دانشگاه گوتینگن آلمان و متخصص در ادبیات روایی مشرق زمین.

مفید باشند. از سوی دیگر، عدم توجه جونز و دیگر همفکرانش به مقوله «تمرین» از یک سو، و «کاربرد زبان روزمره» از سوی دیگر، باعث شده بود که کتابهایی از این دست به آثاری مرجع و کلاسیک تبدیل شوند و کاربرد «آموزشی» نداشته باشند. گلاوین با درک درست این مسأله کتابی تألیف کرد که بتواند اهداف آموزشی کالج فورت ویلیام را برآورده کند. ظاهراً هم موفق بوده است، چرا که «منشی فارسی» پس از انتشارش از آثار مطرح در این حوزه شد و شرق شناسان زیادی به تحسین آن پرداختند، از جمله لامسدن (Lumsden) در کتاب دستور زبان فارسی (1810) (*A Grammar of Persian Language*) خود می نویسد: «موفقیت «منشی فارسی» گلاوین به خاطر آموزش دستور زبانش نیست؛ بلکه ریشه در التذاذی دارد که نویسنده با افزودن متون تمرینی و خواندنی به کتابش در این اثر ایجاد کرده است»... (مارزولف (1995: 447)). همچنین در مقدمه ویراست دوم کتاب، اسمیث، «منشی فارسی» را نه تنها مناسب تدریس در انگلستان و هند که کتاب درسی مطلوب برای تدریس در فرانسه و سایر ممالک قاره اروپا معرفی می کند و اذعان می کند که «این کتاب به طور منظم در کلاسهای فارسی *College de France* و کالجهای معتبر بریتانیا تدریس می شود» (همان، ص 448). مارزولف محقق نامدار آلمانی - که ارجاع به او در جای جای این گفتار دیده می شود - در مقاله ای به طور مستوفی به تمرینهای موجود در این کتاب پرداخته است، که به هنگام بحث پیرامون بخش دوم کتاب (تمرینها) در مورد آن بیشتر سخن خواهیم گفت. اما در این بخش ابتدا به دستور (بخش آموزشی کتاب گلاوین) می پردازیم، که عمده مطالب کتاب را تشکیل می دهد.

۱-۲- بخش آموزشی «منشی فارسی»

بخش آموزشی کتاب «منشی فارسی»، قسمت اول از بخشهای سه گانه این کتاب است. این بخش از صفحه ۳ تا ۱۰۵ کتاب را شامل می شود و سپس بخش تمرینی کتاب آغاز می گردد که خود مشتمل بر دو بخش است («حکایات لطیف»، صفحات ۱ تا ۴۳ و «عبارات و گفتگوهای انگلیسی و فارسی» از صفحه ۱ تا آخر کتاب).

گلاوین در بخش آموزشی به ذکر مباحث مختلف دستور زبان فارسی با ذکر جزئیات می پردازد. چنان که این بخش را با معرفی حروف الفبای فارسی، با عنوان «*powers of the letters*»، آغاز می کند و هر حرف را با معادل آوانگار خود معرفی می نماید و چگونگی تولید صدای هر حرف را نیز توضیح می دهد. ذکر خلاصه ای از مباحث بخش اول کتاب در حوصله این مقاله کوتاه نیست و بدین جهت علاقه مندان را به کتاب «منشی فارسی» ارجاع می دهیم.

بخش آموزشی «منشی فارسی» در صفحه ۷۹ پایان می پذیرد و از این به بعد تا صفحه ۱۰۷ نمونه هایی از متون آمده است که به نظر می رسد صرفاً نقش «روان خوانی» دارند تا تمرین. چرا که تمرینهای کتاب در بخش جداگانه - که خواهیم دید - مجدداً از صفحه ۱ آغاز می شوند.

در اولین بخش این روان خوانیها، به «پندنامه سعدی» بر می خوریم که حاوی ۲۰ قطعه از اشعار سعدی است که هیچ قطعه ای بیش از ۶ بیت ندارد. در پایان این بخش (ص ۹۲) نوشته شده: «به تاریخ ۷ شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۰۸ هجری نبوی مطابق ۸ آپریل ۱۷۹۴ انگریزی الراجی الی رحمة الله محمد قوس عفی الله عنه قلمی نمود».

پس از این قسمت تا آغاز بخش دوم کتاب نمونه هایی از «سرنامه ها» و «مشقجات» و «پروانه جات» و غیره است که متن فارسی آمده و سپس در زیر آنها متن انگلیسی. این متون واژگان عربی بسیار دارند و کاملاً دشوار می نمایند، لذا به نظر نمی رسد که هدف اصلی از آمدن آن، فهم متن باشد و بیشتر هدف روان خوانی جلوه می کند. نمونه هایی از این متون بدین قرار است:

از رکن السلطنه العظما اعتضاد الخلفه الکبری، مقرب الحضرت السلطانیه، المؤمن الدولة الخاقانیه، یاروفادار مدار الهمام، به عنایت شاهنشاهی مفتخر و مباهی بوده بدانند اعتضاد خلافت و فرمانروایی زور بازوی شہامت و کشور گشایی رکن السلطنه... مورد مراجع شاهنشاهی و مطرح انظار ظلّ اللہی باشد...

نمونه هایی از سرنامه عرایض و مکتوبات:

* به حضور سلطنت ظهور خاقان سلیمان شأن جهان مدار فلک اقتدار بگذرانند.
* به پابوسان درگاه آسمان جاه از نظر کیمیا اثر حضرت شاهنشاه عالم بگذرانند.
* به حضرت با رفعت کامروای عالمیان، فیاض زمان، وزیر جهان دستگیر ادام الله اقباله بگذرد.

* به خدمت نواب صاحب والاشان مکرم قدردان زید اللطف مشرف شواد.
این گونه جملات تا صفحه ۱۰۴ ادامه دارند و احتمالاً زمینه ساز بخشی هستند که از چهار صفحه بعد تحت عنوان قسمت دوم آغاز می شود، بخشی که طبق قرار اولیه مان، آن را «بخش تمرینی» کتاب «منشی فارسی» می نامیم.

۲ - ۲ - بخش تمرین «منشی فارسی»

همان طور که قبلاً گفته شد، بخش تمرینی کتاب «منشی فارسی» این اثر را از سایر کتب دوران خود متمایز کرده است. باید این نکته را یاد آور شد که از زمان انتشار کتاب

«عناصر زبان فارسی» در سال ۱۶۳۹ تا روزگار گلاوین به «تمرین» هیچ اهمیتی داده نمی شد، یعنی کتابها صرفاً مطالب دستوری را باز می گفتند. بی آن که حاوی مطالب خواندنی برای تقویت و تمرین مطالب تدریس باشند. دلیل چنین رویکردی، طرز تلقی زمانه انتشار آن کتب درباره آموزش زبان خارجی می تواند باشد. در نظر شرق شناسان آن زمان، فارسی زبانی کلاسیک چون یونانی کهن، لاتین، عبری، یا سانسکریت محسوب می شد و همین «عدم نگرش به فارسی به عنوان زبانی زنده و پویا»، کتابهای دستور فارسی را از هر مطلب اضافه بر سازمان و تقویتی بری کرده بود.

در «منشی فارسی»، گلاوین این سد را شکسته است و با گنجاندن فصلی نسبتاً طولانی به کتابش، تمرینهای خواندنی را برای فارسی آموزان به میزان قابل توجهی درج کرده است. این تمرینات عمده داستانهای کوتاه برای تقویت مهارت خواندن هستند. اما چرا داستان؟

مارزولف به این سؤال پاسخی به سزا داده است. آموزش از طریق داستان سنتی دیرپا به ویژه در مطالعات شرق شناسی بوده است. این داستانها هم سرگرم کننده بوده اند و هم آموزنده. لذا آموزشهای کلاسیک شرقی در فضایی آرام و شاد صورت می گرفت، حتی تا حدی که تفریح بر آموزش غلبه می کرده است (مارزولف، ۱۹۹۵: ۴۴۵). گلاوین با گنجاندن این داستانهای دلپذیر (که خود آنها را «حکایات لطیف» می نامد)، روالی را در نگارش دستورها و کتاب آموزشی فارسی بنیاد نهاد که بعد از او در بسیاری از کتب فارسی تکرار شد، مانند کتابهای زیر (همان، ص ۴۲۹):

John Brothwick Gilchrist, *Hindee Moral preceptor, or Rudimental Principle of Persian Grammar as the Hindoostanee Scholar's Shortest Road to the Persian Language* (1821).

George Rosen, *Elementa Persica* (1843).

Duncan Forbes, *Grammar of the Persian Language* (1861).

«حکایات لطیف» کتاب گلاوین، بخش دوم کتاب را تشکیل می دهند. شماره صفحه این حکایات مجدداً از ۱ آغاز می شود و تا صفحه ۳۰ ادامه می یابد، که به طور مسلسل صفحه ۲۱۲ کتاب می شود. این حکایات که گلاوین آنها را به صورت «داستانهای شیرین به بیان ساده» (Pleasant Stories in Easy Style) معرفی می کند، مجموعه ۷۶ داستان کوتاه طنزآمیز است که اکثراً ریشه در ادبیات فارسی دارد و تعدادی از آنها از محبوبیت دیرپای به مدت چند قرن برخوردارند. مارزولف (صفحات ۴۵۴-۴۶۶)

مقاله خود را به مرور سریع این حکایات و معرفی آنها اختصاص داده و معتقد است که داستانهای این مجموعه از متونی چون مصیبت نامه و الهی نامه عطار (۵ مورد) رساله دلگشای عبید زاکانی (۴ مورد) و بهارستان جامی (۷ مورد) برگزیده شده اند، ولی بیشترین استفاده متنی از کتاب لطائف الطوائف فخرالدین علی صفی ست که با ۲۱ مورد داستانی، یک سوم «حکایات لطیف» کتاب را شامل می شود»، مارزولف (۴۵۳: ۱۹۹۵). نکته جالب این جاست که اقتباس از داستانهای اروپایی هم در این قسمت دیده می شود، مثلاً حکایت شماره ۱۲، بازنویسی کوتاهی از نمایش «تاجر ونیزی» شکسپیر است، و نیز داستانهای شماره ۳۸ و ۶۸، که ریشه در اساطیر غرب دارند. همین مسأله مارزولف را به این نتیجه گیری درست رسانده است که «حکایات لطیف» کتاب «منشی فارسی» حلقه اتصال میان ادبیات عامه و کلاسیک شرق از یک سو و پلی بالقوه برای معرفی ادبیات غرب به شرق از سوی دیگر بوده است (همان). برای نمونه در این جا تمام حکایت شانزدهم را نقل می کنم، با این تذکر که هر حکایت فارسی در صفحه سمت چپ و ترجمه آن در صفحه سمت راست، مقابل آن به چاپ رسیده است و شماره صفحه هر دو هم یکسان است:

ماهگیری همیشه ماهیان دریا گرفتی و در بازار فروختی. روزی یک ماهی زنده گرفت و آن چنان بزرگ بود که تا آن هنگام نگرفته بود. در دل خود گفت که اگر این ماهی را در بازار بفروشم، زیاده از دوسه فلوس نخواهم یافت. مصلحت آن است که پیش پادشاه بروم، البته بسیار انعام خواهد داد. القصه ماهی را پیش پادشاه برد. پادشاه چون ماهی را دید بسیار پسندید خشنود شد و حکم کرد که ماهیگیر را ۱۰۰ روپیه بدهند. وزیر آن وقت حاضر بود و در گوش پادشاه عرض کرد که برای یک ماهی این قدر نفع دادن مصلحت نیست. پادشاه جواب داد که اگر ندم جای شرم است، زیرا که حالا حکم کردم. وزیر گفت: مصلحت آن است که از ماهیگیر پرسید این ماهی نر است یا ماده. اگر بگوید که نر است، ماده را بخواهید، اگر گوید ماده، نر را بخواهید. ماهیگیر مثل آن آوردن نخواهد توانست، پس انعام هم نخواهد یافت. پادشاه سخن وزیر پسندید و از ماهیگیر پرسید که این ماهی نر است یا ماده؟ ماهیگیر جواب داد که این ماهی خنثی ست. پادشاه بسیار خندید و دوصد روپیه او را بخشید.

نثر «حکایات لطیف» گهگاه دشوار و غامض می نماید، کما این که نمونه هایی از این دشواریها را در متن نشان داده ام. با این همه، وجود ۷۶ حکایت با ترجمه و توضیح، آن هم برای کتابی که برای نخستین بار دست به چنین کاری می یازد، تمرین کافی و مناسبی برای زبان آموزان آن زمان به حساب می آمده است.

ولی تمرینهای «منشی فارسی» به همین جا ختم نمی شود. بخش دیگر تمرینها از صفحه ۳۲ به بعد آغاز می شود که عنوان انگلیسی آن چنین است:

“An account of the philosophers from the Kholasat – o1 Akhbar-ol Amir Khavend Shah”

در مقابل آن نیز ترجمه فارسی این عنوان آمده است: «احوال حکما از خلاصه الاخبار تصنیف امیر خاوند شاه». این بخش به احوال حکما و بیوگرافی مختصر آنها می پردازد که در سمت راست صفحه، متن انگلیسی و در سمت چپ در کنار آن پاراگراف، متن فارسی آمده است. در این بخش که از صفحه ۳۲ تا ۴۲ کتاب را شامل می شود، به معرفی اجمالی افرادی چون لقمان، سولون، فیثاغورث، جاماسب، سقراط، دیوجانوس (دیوژن)، ارسطاطالیس (ارسطو)، بقراط، امیرس (هومر)، زنون، بطلمیوس، جالینوس، ذالیس (طالس)، انکسی منس، ذیمقراطیس (دموکریت)، اقلیدس و ابوذرحمهر (بزرگمهر) پرداخته شده است. مثلاً در صفحه ۴۱ درباره اقلیدس آمده است: «اولین کسی که در فن ریاضی سخن گفته، آن علم را مدون گردانید. مصنف او موسوم به سخنان اقلیدس است، که هرچه از دست رود عوض آن حاصل می شود یا نه، پس بر هر رفته تأسف و تأثر بی فایده است».

بخش بعدی که از صفحه ۴۴ تا ۷۴ بخش دوم کتاب را به خود اختصاص می دهد، متنی است با عنوان «قواعد السلطنه شاه جهان». در این قسمت، سنت تمرین متن به صورت پاراگرافی و بریده بریده ناگهان قطع می شود و توصیفی مفصل - به صورت یک مقاله - در مورد سلطنت شاه جهان آورده می شود. در این قسمت، تمامی صفحه سمت چپ کتاب به فارسی و تمامی صفحه سمت راست به انگلیسی است. درک منطق چنین کاری برای من دشوار است چرا که شیوه آموزش و تمرین با «حکایات لطیف» و سپس «احوال حکما» نشان از آگاهی گلادوین نسبت به مخاطبین خود داشت، حال آن که ظهور این متن طولانی و دشوار فقط می تواند یک انگیزه داشته باشد، و آن این است که زبان آموز به متون کوتاه خو نکند و با متون مفصل و مطول بیگانه نباشد. به هر حال، این بخش و صله ناجوری بر پیکر کتاب به نظر می رسد.

بخش قابل توجه و جالب دیگری که در «منشی فارسی» به چشم می خورد، بخش سوم کتاب است که «عبارات و گفتگوها» (phrases and dialogues) نام دارد. این بخش مروری بر گفت و گوهای پایه و ضروری زبان فارسی است، که هم از نظر آموزش در زمان خودش مهم بوده است، و هم اطلاعات جالبی در مورد شیوه گفتگوها و تعارفات رایج در هند

را به ما ارائه می کند. این عبارات و گفتگوها در ۲ قسمت تنظیم شده اند: احوالپرسی (inquiries about health) و گفتگوهای آشنا (familiar dialogues). بخش احوالپرسی نیز از زبان فرد فرادست (superior) و فرودست (inferior) مطرح می شود و با این کار گلاذوین تأکید می کند که تا چه حد واژگان کاربردی در این گونه جملات، بیانگر روابط اجتماعی افراد می باشند. به عنوان نمونه به چند جمله از آنها اشاره می کنم:

پاسخ فرودست:

برسش فرادست:

از عاجز خانه، از فقیر خانه، از بنده خانه.

- از کجا آمدید؟ از کجا می آید؟

- از کجا تشریف آورده اید؟

برای دیدن صاحب، برای ملاقات شما.

- برای چه آمدید؟ چرا تصدیع کشیدید؟

نوازش فرمودند، سرافراز فرمودند، ذات

- کرم کردید، مهربانی کردید...

صاحب ولینعمت غنیمت است.

اسم نحیف فلان، اسم حقیر فلان، اسم

- نام شما چیست؟

مخلص فلان.

مستفید شدم، بندگی حاصل کردم، سعادت

- مشتاق بودم، شوق دیدن شما را بسیار

حاصل کردم...

داشتم، تمنای ملازمت بسیار داشتم...

هرچه سیری نیست، مرخص می شوم.

باز به خدمت خواهم رسید.

مکرر در بندگی حاضر خواهم شد، در

- خانه شماست، هروقت خواسته باشید

خدمت خواهم رسید، مرا در گوشه خاطر

بیاید.

جا داده باشید..

- خدا سلامت دارد، فی امان الله.

بخش «گفتگوهای آشنا» ی کتاب که پس از این جملات می آید، یادآور کتابهایی

مانند «فارسی در سفر» است. در این بخش جمله های کلیدی و مهم براساس موقعیت

کاربردی آنها معرفی شده اند، مانند رفتن به عدالت خانه، در انصاف کردن، در سیر دریا،

در تجویز مقامات عدالت (واژه های کاربردی در دادگاه)، احوال باغ، در خرید زمین،

احوال عمارت، در خرید اسبان، احکام خان سامان، بیماری و غیره که از صفحه ۶ تا ۵۶

کتاب را شامل می شود.

با این بخش عملاً «آموزش فارسی» کتاب «منشی فارسی» را باید پایان یافته تلقی

کرد، چرا که مطالب بعدی بیشتر حالت ضمائم را دارند تا متون درسی. در این بخش

بابهایی از «انجیل متی» با ترجمه فارسی آمده اند. این فصل که در اصل «Free Chapters of St. Matthews Gospel» نام دارد، صفحات ۶۱ تا ۷۵ را به خود اختصاص داده و در آن بابهای ۵ و ۶ و ۸ ثبت و ترجمه شده اند. سپس از صفحه ۷۷ تا پایان اثر (صفحه ۸۲)، توضیحاتی در مورد فصلهای قبلی ارائه شده است.

اینها همه ارائه تصویری اجمالی از نخستین کتاب اصلی آموزش زبان فارسی بود. گلاوین به نیکی دریافته بود که آموزش بی تمرین راه به جایی نمی برد و در ثانی تمرینها باید اولاً جذاب و ثانیاً کاربردی باشند. شگردی که گلاوین به کار گرفت پیش از او در قرنهای ۱۸ و اوایل ۱۹ در آلمان صورت پذیرفته بود و کتاب *Praktische Franzosische Grammatik* نوشته Johan Valentin Meidinger (۱۷۸۳) یکی از نمونه های موثر آموزش فرانسه به آلمانی زبانان سرشار از تمرینهای آموزشی بود.

«منشی فارسی» البته امروز اثری موزه ای و کتابخانه ای ست، ولی پیام آموزشی نوینی دارد که می توان کماکان برای طراحان نظامهای آموزش زبان فارسی انگیزه ساز باشد. نسخه قابل دسترسی موجود از این کتاب در ایران در کتابخانه مؤسسه ایران شناسی بریتانیا در تهران نگهداری می شود.

دانشگاه تهران

یادداشتها:

* نگارش این مختصر بدون همراهی دوستانی عزیز امکان پذیر نبود. مسؤلان محترم کتابخانه مؤسسه ایران شناسی بریتانیا در تهران با لطف خود، نسخه «منشی فارسی» را در اختیارم گذاشتند. دوستان مهربانم دکتر مهبد غفاری و خانم سیمین دخت گودرزی در طول بررسی و یادداشت برداری از کتاب همراهیم کرده اند. مقاله ارزشمند مارزولف درباره این کتاب را دوست دانشمندم دکتر لودویگ پاول از دانشگاه گوتینگن، و فهرست آثار گلاوین را خانم دکتر اگنس کورن از دانشگاه فرانکفورت برایم فرستاده اند. از لطف همه این دوستان عزیز ممنونم.

۱- تا پیش از «منشی فارسی» سه کتاب به زبان فارسی در مورد دستور فارسی منتشر شده اند که به ترتیب عبارتند

از:

- 1) Sir William Jones. (1771). *A Grammar of Persian Language*.
- 2) George Hadley. (1776). *Introductory Grammatical Remarks on the Persian Language*.
- 3) Edward Moises. (1792). *The Persian Interpreter in Three Parts A Grammar of the Persian Language, Persian Extracts, in Prose and Verse*.

همچنین شایان ذکر است که از زمان انتشار دستور جونز تا آغاز قرن بیستم، ۲۰ دستور و ۸ فرهنگ لغت فارسی به زبان انگلیسی منتشر شده اند.

۲- از دوست دانشمندم آقای آبتین خانباقی که تصویر این اسناد را از کمبریج برایم فرستادند سپاسگزارم.

منابع:

- افشار، ایرج (۱۳۳۳). «کتابشناسی دستور زبان فارسی». فرهنگ ایران زمین ۲: ۴۴-۱۹.
- افشار ایرج (۱۳۴۵). «دستورهای سیصد ساله برای زبان فارسی» مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، دوره ۱۳، شماره ۴: ۱۳۹-۱۴۰.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۵۲). سیر فرهنگ ایران در بریتانیا با تاریخ دویست ساله مطالعات ایرانی. تهران: انجمن آثار ملی.
- گلبن، محمد (۱۳۵۶). کتابشناسی زبان و خط. تهران، مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
- مہیار، محمد (۱۳۷۶). فرهنگ دستوری، تهران: میترا.
- Loloi, P. (2001) "Gladwin". In *Encyclopaedia Iranica*, Vol 10.
- Marzolph, Ulrich. (1995) "Pleasant Stories in an Easy Style": Gladwin's. *Persian Grammar as an Intermediary between Classical and Popular Literature*". In *Proceedings of the Second European Conference of Iranian Studies-Roma: Instituto Italiano per il Medio ed., Estremo Oriente*: pp. 445-475.
- Watkins, J. and F. Shobrel. (1816). *A Biographical Dictionary of Authors*.
- که به صورت میکروفیش در کتابخانه دانشگاه کمبریج موجود است.
- Windfuhr, G. (1979). *Persian Grammar: History and State of its Study*. The Hague: Mouton Publishers.
- Yule. H. and A. C. Burnell. (1999). *The Anglo-Indian Dictionary*. Hertfordshire: Wordsworth References.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی